

دکتر محمد مهدی پور\*

## سیری در دیوان اشعار امام خمینی (ره)

### چکیده:

امام خمینی (ره) بی شک یکی از شخصیت‌های کم‌نظیر و تأثیرگذار دوران معاصر بود با خصایص منحصر به فرد و ابعاد وجودی گوناگون. این نوشته گامی کوچک در معرفی اجمالی بعد ادبی و سیری در دیوان اشعار ایشان می‌باشد. بخش عظیم اشعار حضرت امام، غزل‌های عارفانه است که از حیث سبکی اغلب تحت تأثیر غزل‌های خواجه حافظ می‌باشد. امام خمینی با بهره‌گیری وسیع از اصطلاحات عرفانی در دورانی که این اصطلاحات از سوی برخی متشرعین مورد هجمه و در معرض تهمت بود، جانی تازه به عرفان بخشید و موجب تبرئه و احیای عرفای راستین گردید و از سوی دیگر به جهت شخصیت الهی و قابل ستایش خود و روی آوردن به عرفان حماسی، پویا و

---

\* عضو هیأت علمی دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه تبریز

حرکت آفرین که به پیروزی و هدایت مقتدرانه انقلاب اسلامی در جهان منجر شد، عرفان اسلامی را از کُنج انزوا و جنبه شخصی و درونی صرف بیرون آورد و آنرا با مفاهیم متعالی خود در سطح جامعه عمومیّت داد که آثار و برکات این اندیشه بزرگ نه تنها در ایران بلکه در میان مسلمانان مبارز کشورهای دیگر بوضوح جلوه گر است.

شعر امام بازتاب احساسات، عواطف و افکار او و متعلّق به لحظات خلوت و انس با خداست؛ در آئینه شعر امام صفای درونی عرفای راستین، آرامش قلبی مؤمنین و امید به آینده‌ای عاری از ظلم و بی‌عدالتی را می‌توان حس کرد.

## مقدمه

امام خمینی (ره) یکصد سال پیش (۱۲۷۸ شمسی) در شهر خمین در یک خانواده روحانی دیده بر جهان گشود. پس از طی مدارج عالی علمی در حوزه علمیه قم به عنوان استادی گرانقدر و مجتهدی عالم مشهور گشت. او در کنار تحصیلات دینی به تحصیلات فلسفه و عرفان پرداخت و در سن ۴۴ سالگی بزرگترین کرسی تدریس حوزه علمیه به وی اختصاص داشت در این دوران عدهٔ کثیری از مشتاقان معرفت و دهها مجتهد و مفسر قرآن کریم از کلاسهای درس او کسب فیض می‌کردند.

این شخصیت بزرگ در هر فرصت ممکن مخالفت خود را با سیاستهای ظالمانه رژیم شاهنشاهی ایران اعلام می‌داشت و به افشاگری استعمارگران و حکومت وابسته آنها می‌پرداخت او می‌گفت: «خمینی را اگر بر دار زنند تفاهم نخواهد کرد... والله اسلام تمامش سیاست است. اسلام را بد معرفی کرده‌اند سیاست مُدُن از اسلام سرچشمه می‌گیرد... من از آن آخوندها نیستم که در اینجا بنشینم و تسبیح دست بگیرم و به امور دیگر کاری نداشته باشم.»<sup>۱</sup>

او یکبار در سال ۱۳۴۱ ش. به دلیل مخالفت با انتخابات «انجمنهای ایالتی و ولایتی» و «طرح لوایح ششگانه شاه» دستگیر و زندانی و سپس یکسال بعد آزاد شد و بار دیگر در سال ۱۳۴۲ ش. به دلیل مخالفت با لایحه اسارت‌بار و خائنانه «احیای کاپیتولاسیون» و سخنرانی شدیدالحن<sup>۲</sup> خود دستگیر و به ترکیه تبعید شد و بعد از آن نیز به کشور عراق و شهر نجف منتقل گردید. او در دوران تبعید به خدمت علمی در حوزه علمیه نجف پرداخت و در این مدت نیز نهضت مردم مسلمان ایران را رهبری می‌کرد که نتیجه آن سرنگونی رژیم شاهنشاهی و

تأسیس جمهوری اسلامی در ایران بود. سپس با عبور دادن پیروزمندانه کشور و مردم ایران از مراحل سخت دوران انقلاب و جنگ تحمیلی در نود سالگی چشم از این جهان بربست و به دیدار حق شتافت.

امام خمینی (ره) شخصیتی بود با ابعاد وجودی وسیع و گوناگون که امکان اجتماع این ابعاد در کمتر کسی وجود دارد. او فقیهی عالیقدر، عارفی واصل، فیلسوفی متفکر، معلم بزرگ اخلاق، سیاستمداری تیزهوش، رهبری قدرتمند، امامی متواضع و مهربان، مجاهدی خستگی ناپذیر و ادیبی هنرمند و خوش قریحه بود.

در دورانی که دین جدای از سیاست تبلیغ می‌شد و طبق سنت مرسوم عارف به سرنوشت مردم و جامعه کاری نداشت و به نظر می‌رسید روحیه لطیف شاعرانه را با جهاد و شهادت چه کار، و یا قدرت با تواضع و رأفت ناسازگار است، امام خمینی (ره) این نادره دوران، جامع این همه اضداد بود و شخصیت والای او با ترکیبی از این اوصاف شکل گرفته بود.

امام خمینی (ره) این محبوبترین نام و شخصیت قرن و احیاگر اسلام در عصر حاضر وجود ذی‌قیمتی بود که در طول عمر پربرکت خود با نوشتار و گفتار و کردارش تمام اقشار و طبقات مردم دنیا را از فیض وجودی خود بهره‌مند ساخت و به نظر می‌رسد سالها زمان لازم است که ابعاد مختلف شخصیت او آنچنان که باید شناخته شود. باید اقرار کنم که هر چه در فضائل او گفته شود قطره‌ای از دریای بزرگی و عظمتش نخواهد بود.

\*\*\*

اگر در عالم ذهن خود انسانی را مجسم کنید با اوصافی که گفته شد و با آن همه مشغله علمی و سیاسی و رهبری که گهگاهی نیز به شعر روی آورده

است یقین می‌کنید که او شاعر نبوده است ولی از آنجا که شعر یکی از زیباترین و سیله انتقال مافی‌الضمیر است با توسل به شعر و کلام موزون، توانسته است گوشه‌ای از غلیان عشق و احساس و اندیشه خود را بیان کند.

دیوان امام خمینی (ره) دارای ۱۴۹ غزل، ۱۱۷ رباعی، ۳ قصیده، دو مسمط، ۱ ترجیع‌بند و برخی قطعات و ابیات دیگر است. بیشترین قالب شعری مورد استفاده امام غزل است که در آنها اغلب تحت تأثیر غزل‌های حافظ شیرازی بوده است. چنین برمی‌آید که تخلص شعری ایشان «هندی» بوده است اما چندان مقید به ذکر آن در شعرها نبوده است.<sup>۳</sup> در اشعار امام خمینی (ره) هر چند تا حدودی کفه معنی بر لفظ برتری دارد اما نه لفظ را فدای معنی کرده است و نه معنی را فدای لفظ.

با توجه به اینکه در این فرصت امکان پرداختن به زیباییهای لفظی و صنایع ادبی در شعر امام ممکن نیست تنها به بیان پاره‌ای از مضامین شعری بسنده می‌کنیم.

مهمترین موضوع مطرح شده در غزل‌های امام مباحث عرفانی و بیان عشق به معشوق و معبود حقیقی است با این تفاوت که عرفان امام (ره)، عرفانی حماسی، پویا و حرکت‌آفرین است نه تصوف را کد خزیده در کنج خانقاه و بریده از مردم. او در غزلیاتش طبق سنت غزل‌سرایان عارف در حد وسیعی از اصطلاحات عرفانی بهره جسته است. اصطلاحاتی چون: عشق، عاشق، معشوق، ساقی، میخانه، ساعر، باده، مست، زلف، خال، رخ، لب، خرابات، میکده، دیر مغان، بت، بتخانه، رند، پیر خرابات و دهها مورد دیگر. روی آوردن امام (ره) به وادی شعر آنهم قالب غزل که در آن مسائل عاشقانه مطرح می‌شود و بالاتر از آن استفاده او از اصطلاحات عرفانی آنچنان، یکی از ویژگیهای اوست

که خدمتی بسیار بزرگ به عرفان عاشقانه و عاملی برای تیرئه و احیای عرفان راستین به حساب می‌آید که از سوی ظاهر بینان مورد تکفیر و تحقیر قرار می‌گرفتند به منظور آشنایی با گوشه‌هایی از بینش عرفانی امام (ره) و برخی اصطلاحات عرفانی دیوان او به اییات زیر دقت نمایید:

عاشقم، عاشق و جز وصل تو درمانش نیست

کیست کاین آتش افروخته در جانش نیست

گوشه چشم گشا بر من مسکن بنگر

ناز کن ناز که این بادیه سامانش نیست

سر خم باز کن و ساغر لبریزم ده

که به جز تو سر پیمانۀ و پیمانش نیست (۶۶)۴

او می‌گوید:

رهرو عشقم و از خرقه و مسند بیزار

به دو عالم ندم روی دل‌آرای تو را (۴۲)

عاشقان صادق از هر چه غیر دوست بیزار و مست باده او و آرزومند

وصالند:

دل که آشنۀ روی تو نباشد دل نیست

آنکه دیوانۀ خال تو نشد عاقل نیست

مستی عاشق دلباخته از باده توست

به جز این مستیم از عمر دگر حاصل نیست

رهرو عشقی اگر خرقه و سجاده شکن

که به جز عشق، تو را رهرو این منزل نیست (۶۷)

او عقیده دارد جمال یار بی‌پرده ظاهر است عیب از ماست که

نمی بینیم:

هر جا که می روی ز رخ یار روشن است  
 خفاش وار راه نبردیم سوی دوست  
 گوش من و تو وصف رخ یار نشنود  
 ورنه جهان ندارد جز گفتگوی دوست  
 با عاقلان بگو که رخ یار ظاهر است  
 کاوش بس است این همه در جستجوی دوست (۶۴)  
 و معشوق چنان دلریاست که عاشق در راه وصالش هر سختی را به  
 جان می خرد بلکه سر بر چوبه دار تسلیم می کند:  
 من به خال لب ای دوست گرفتار شدم  
 چشم بیمار تو را دیدم و بیمار شدم  
 فارغ از خود شدم و کوس اناالحق بزدم  
 همچو منصور خریدار سر دار شدم  
 جامه زهد و ریاکندم و برتن کردم  
 خرقه پیر خراباتی و هشیار شدم (۱۴۲)  
 و اینکه در عشق جوانی و پیری مطرح نیست:  
 گر چه پیرم به سر زلف تو ای دوست قسم  
 در سرم عشق چو ایام جوانی باشد (۸۷)  
 امام خمینی (ره) همه عالم را محضر خدا می داند و به بهانه دیدار و  
 جلب توجه او به هر دری سر می زند:  
 همه جا منزل عشق است که یارم همه جاست  
 کوردل آنکه نیابد به جهان جای تو را (۴۲)

بر در میکده و بتکده و مسجد و دیر

سجده آرم که تو شاید نظری بنمایی (۱۸۶)

جان در هوای دیدن رخسار ماه توست

در مسجد و کنیسه نشستن بهانه است (۶۱)

عاشق جز وصال و قرب حق چیزی نمی خواهد:

با خلدیان بگو که شما و قصور خویش

آرام مآبه سایه سرو روان ماست

فردوس و هر چه هست در آن قسمت رقیب

رنج و غمی که می رسد از او از آن ماست (۵۵)

آیا شود که نیم نظر سوی ما کنی

تا پر گشوده کوچ نمایم از این قباب (۴۷)

امام خمینی (ره) با افشای ریاکاران در هر لباس و مقامی، کبر و غرور،

مقدّس نمایی و دعوی آنها را بزرگترین مانع راه آنان می داند:

صوفی و عارف از این بادیه دور افتادند

جام می گیر ز مطرب که روی سوی صفا (۳۹)

علم و عرفان به خرابات ندارد راهی

که به منزلگه عشاق ره باطل نیست (۶۷)

کورکورانه به میخانه مروای هشیار

خانه عشق بود جامه تزویر برآر

تو که دلبسته تسییحی و وابسته دیر

ساغر باده از آن میکده امید مدار (۱۲۴)

زهر مفروش ای قنار آبروی خود مریز

زاهد ار هستی تو، پس اقبال بر دنیا چه شد (۹۴)

در میان غزلهای امام بهاریه‌هایی وجود دارد که در آن از زندگی

دوباره طبیعت و طراوت و سرسبزی گلها و درختان پس از سیطره سرمای سوزان زمستانی سخن رفته است. فضای این قبیل اشعار سراپا نشاط، امید، حرکت و حاکی از وصال است.

مژده ای مرغ چمن فصل بهار آمد باز

موسم می زدن و بوس و کنار آمد باز

وقت پژمردگی و غمزدگی آخر شد

روز آویختن از دامن یار آمد باز

مردگیها و فروریختگیها بشدند

زندگیها به دوصد نقش و نگار آمد باز

زردی از روی چمن بار فرا بست و برفت

گلبن از پرتو خورشید به بار آمد باز (۱۲۵)

و در غزلی دیگر می‌گوید:

بهار آمد جوانی را پس از پیری ز سرگیرم

کنار یار بنشینم ز عمر خود ثمر گیرم

به گلشن بازگردم با گل و گلبن درآمیزم

به طرف بوستان دلدار مهوش را به برگیرم

پر و بالم که در دی از غم دلدار پرپر شد

به فروردین به یاد وصل دلبر بال و پر گیرم

اگر ساقی از آن جامی که بر عشاق افشاند

ببفشاند به مستی از رخ او پرده برگیرم (۱۵۲)

از نظر سبک‌شناسی ادبی، میزان بهره‌گیری از واژگانی که القای حالت

نشاط و امید می‌کنند در شعر امام بسیار زیاد است. برخلاف خیلی از شاعران

دیگر که فضای شعر و افکار آنها مشحون از پوچگرایی، یأس بدینی و

سرخوردگی در زندگی است.

\*\*\*

رباعیات حضرت امام (ره) جز چند مورد معدود باز در خدمت تبیین

مباحث عرفانی است که در اغلب آنها ضمن دعوت به طلب یار و برشمردن

موانع راه سلوک، از فراق معشوق شکوه و آرزوی وصال او را می‌کند:

از هستی خویشتن رها باید شد

از دیو خودی خود جدا باید شد

آنکس که به شیطان درون سرگرم است

کی راهی راه انبیا خواهد شد (۲۰۸)

\*\*\*

ای مرغ چمن از این قفس بیرون شو

فردوس تو را می‌طلبم مفتون شو

طاووسی و از دیار یسار آمده‌ای

بادآور روی دوست شو مجنون شو (۲۳۷)

\*\*\*

ای دیده نگر رخس به هر بام و دری

ای گوش صدش بشنو از هر گذری

ای عشق بیاب یار را در همه جا

ای عقل ببند دیده بیخبری (۲۴۳)

\*\*\*

تا کوس انال‌الحق بزنی خودخواهی

در سر هوش تو ناآگاهی

بدرار حجاب خویشتن از سر راه

با بودن آن هنوز اندر راهی (۲۴۸)

\*\*\*

دیوان امام خمینی (ره) دارای سه قصیده زیبا و هنرمندانه است که

یکی از آن<sup>۵</sup> را در مدح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دختر امام موسی بن جعفر علیه السلام سروده است.

ایشان در این قصیده از اصطلاحات فلسفی و صنایع ادبی تضاد و مراعات نظیر

فراوان بهره جسته است. مثل: واجب، ممکن، ازلیت، ابدیت، عَرَض، جوهر،

نفس، موجود، معدوم، کون و مکان، ممکنات، باطل، علّت، هستی و...

قصیده دیگر امام (ره) در مدح حضرت ولی عصر (عج) (امام مهدی)

می باشد که در آن ضمن توصیف طبیعت زیبای بهاری به پاره‌ای از اصطلاحات

موسیقی کهن ایرانی اشاره کرده است.

از ابیات این قصیده است:

دوستان آمسد بهار عیش و فصل کامرانی

مژده آورده گل و خواهد زلیبل مژدگانی

شاهدی کو از ازل از عاشقان بریست رخ را

بر سر مهر آمد و گردید مشهود و عیانی

پرده بردار از رخ و ما مردگان را جان ببخشا  
 ای که قلب عالم امکانی و جان جهانی  
 تا به کسی این کافران نوشند خون اهل ایمان  
 چند این گرگان کنند این گوسفندان را شبانی  
 سومین قصیده امام (ره) با عنوان «قصیده بهاریه انتظار»<sup>۷</sup> دارای ۴۶ بیت است که در بعد هنری و ادبی با بهترین قصاید ادبیات فارسی برابری می‌کند. و موضوع آن پس از مقدمه‌ای زیبا در وصف بهار و طبیعت، در بیان فضائل و مناقب حضرت مهدی (عج) است. و در ضمن آن بنا به اقتضای شخصیت و رسالت جهانی و عدالت‌گستری آن امام، از مظلومیت امت اسلام و ظلم ظالمان و انتظار فرج منجی عالم سخن گفته است. ایشان در این قصیده از اسامی گله‌ها و پرندگان فراوان استفاده کرده است بطوریکه فضای شعر یک فضای معطر، دلپذیر و سرشار از شادمانی و سرور است ابیاتی از این قصیده را ملاحظه فرمایید:

آمد بهار و بوستان شد رشک فردوس برین  
 گله‌ها شکفته در چمن چون روی یار نازنین  
 از سنبل و نرگس جهان باشد به مانند جنان  
 وز سوسن و نسرن زمین چون روضه خلد برین  
 یک سو نوای بلبلان یک سو گل و ریحان و بان  
 یک سو نسیم خوش وزان یک سو روان ماء معین  
 شد موسم عیش و طرب بگذشت هنگام کرب  
 جام می گلگون طلب از گله‌گذاری مه جبین  
 سپس در خصوص امام مهدی (عج) چنین ادامه می‌دهد:

مهدی امام منتظر نبواؤة خیرالبشر  
 خلق دو عالم سرسبز بر خوان احسانش نگین  
 گر نه وجود اقدسش ظاهر شدی اندر جهان  
 کامل نگشتی دین حق ز امروز تا روز پسین  
 ظاهر شود آن شه اگر شمشیر حیدر بر کمر  
 دستار پیغمبر به سر دست خدا در آستین  
 دیاری از این ملحدان باقی نماند در جهان  
 ایمن شود روی زمین از جور و ظلم ظالمین  
 این قصیده با یک بیت دعایی زیبایی به پایان می‌رسد:

توفیق تحصیلم عطا فرما و زهد بی‌ریا

تاگردم از لطف خدا از عالمین عاملین (۲۶۲)  
 در پایان این بحث باید گفت که شعر امام جزئی از وجود او و متعلق  
 به لحظات خلوت و انس با خداست. در آینه شعر امام بازتاب شخصیت نورانی  
 و عمق احساس و اندیشه او را به وضوح می‌توان دید حتی برخی ابعاد ناشناخته  
 وجود او را به کمک مضامین شعری‌اش می‌توان ترسیم کرد در شعر امام (ره)  
 صفای معنوی عارفان راستین، آرامش قلبی مؤمنین و امید به آینده‌ای عاری از  
 ظلم و بی‌عدالتی را می‌توان حس کرد و بالاخره شعر امام جوانگرا،  
 حرکت‌آفرین، تأثیرگذار و دارای روحیه حماسی است که حاکی از روح لطیف و  
 بلند او و ایمان و یقین به وعده‌های الهی است.

## پی‌نوشت‌ها:

۱. صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، ج ۱ ص ۶۵ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۳۶۱.
۲. همان، ص ۱۰۲.
۳. در دیوان اشعار امام تخلص «هندی» تنها چهار بار در صفحات ۵۰، ۶۸، ۷۸ و ۲۵۸ ذکر شده است.
۴. شماره‌های داخل پرانتز در آخر ابیات مربوط به صفحاتی از دیوان اشعار امام خمینی است که ابیات از آن نقل شده است.
۵. دیوان اشعار امام خمینی، ص ۲۵۳، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، زمستان ۱۳۷۲.
۶. همان، ص ۲۶۳.
۷. همان، ص ۲۵۸.